

با مردم	
<div><div></div><div>شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان</div></div> <div><div></div><div>۰۲۱۳۳۰۲۳۳۳۷</div></div>	

فروش اجباری کالا همراه روغن

برای خرید یک روغن سرخ کردنی که قیمت روی آن ۱۰۵ هزار تومان بود مجبور شدم ۳عدد کیک بی‌مصرف هم بخرم! فروشنده می‌گفت روغن کمه و ما باید سعی کنیم در آمد رو بالا ببریم که بتوانیم روغن بخریم! تماس من با تعزیرات و شکایت به مدیریت هم تاکنون نتیجه‌ای نداشته است.

شهزادی از تهران

کمبود مدرسه و شرایط عجیب و غریب مدرسه دولتی برای ثبت‌نام فرزندم در پایه متوسطه اول در کل منطقه بلوار جمهوری، خیابان مطهری، کوی اتحاد و کسوی کارمندان در کرج تنها یک مدرسه دولتی ثبت‌نام می‌کند که آن هم فقط با دانش آموزانی ثبت‌نام می‌کند که امتیاز مورد نظر مدرسه را بیابود؛ امتیازاتی که در مدرسه قبلی فرزندم اصلاً نبوده است. حالا به دلیل نبود جا و نیاورن امتیاز و نبودن امکان ثبت‌نام در خارج از محدوده‌ای که منزل هست مجبورم فرزندم را در غیرانتفاعی ثبت‌نام کنم. در حالی که نه علاقه‌ای به این کار دارم و نه توان مالی ما چنین اجازه‌ای می‌دهد. واقعاً تکلیف ما چیست. تحصیل رایگان مگر حق همگانی نیست؟

رحمانی از کرج

سرقت پول های فلزی کوچک واقعا نگران کننده است
پل فلزی کوچکی که روی جوی آب در خیابان سامان را پوشانده بود به سرقت رفت و متأسفانه مادر کهنسال من به دلیل نبودن همین پل به زمین خورد دچار شکستگی کتف و مچ دست شد و هم اکنون نیز در بیمارستان بستری است. هر چند قصد بدی است اما به هر حال مادرم تحت درمان است وهدفم این است که مسئولان فکری بکنند که جلوی تکرار این موارد که در عین سادگی خطرآفرین هستند گرفته شده و با متخلفان برخورد قانونی جدی شود.

دستگیری از تهران

پیامک	
<div><div></div><div>ارسال پیام کوتاه خوانندگان</div></div> <div><div></div><div>۰۲۱۳۳۰۲۳۳۹۱۶</div></div>	

پس‌اب در مرکز شهر اهواز ایوان مند ساماندهی است
وجود پس‌اب در ملکی در مرکز شهر اهواز واقع در خیابان امام، نبش شهید محمدعباس زیننده این نام و شایسته شهرت‌ناب نیست. این ملک و ساختمان در خیابان ۲۰متری نبش نهج‌البلاغه سال‌هاست که به حال خود رها شده است.
حیدری از اهواز

کمک‌های مومنانه کم‌رنگ نشود

تعداد نیازمندیانی که همواره چشم انتظار یاری هستند کم نیست و عده‌ای همانند زمان اوج شیوع کرونا محتاج کمک‌های معیشتی ومومنانه هستند، امیدوارم این کمک در همه ایام ادامه‌دار شود و مختص به شرایط خاص نباشد.

عسگری از تهران

شهرک‌های ویلایی، عامل گرانی افسارگسیخته در کمالشهر شده‌اند

کمالشهر کرج منطقه‌ای با بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت است که شهرک‌های ویلایی متعددی در محدوده‌های ویلاقی اطراف آن شکل گرفته است. همین موضوع از عوامل گرانی بیش از اندازه در کمالشهر شده است و مردم کم‌بضاعت منطقه را بسیار به در دسدر انداخته است. به طور متوسط همه چیز در کمالشهر تا ۲۰ درصد گران‌تر از دیگر نقاط کرج است و هیچ نظارتی هم بر این روند نیست. تعزیرات هم با جریمه‌های مختصر راه به جایی نمی‌برد و گرانی همچنان پایرجاست.

زارعبان از کمالشهر

گزارش‌های کم‌فروشی نان جدی گرفته نمی‌شود
۱۲ روز قبل گزارشی از افرانگروشی و کم‌فروشی نانوایی به تعزیرات ارائه کرده. نه خبری از پیگیری تعزیرات و اتحادیه‌شدن و نه روی غلط نانوایی اصلاح شده است. چرا مدام می‌گویند موارد در فلان شماره اطلاع دهید؟

شهروند از عباس‌آباد تهران

پیام	
<div><div></div><div>تلگرام بامردم</div></div> <div><div></div><div>@bamardom_hamshahri</div></div>	

بخشنا‌مه‌های بانک مر کزی دست و پای صادر کنندگان را بسته است

در کار صادرات هستم و نسل در نسل شغل ما صادرات بوده و نزدیکان و اجدادم از صادرکنندگان خوشنام. در سالی که قرار بوده جهش صادراتی داشته باشیم‌بخشنا‌مه‌های متعدد از سوی نهاده‌هاز جمله بانک مرکزی، وزارت صمت و دیگر دستگاه‌ها آن قدر افزایش یافته‌است که عملاً دست و پای من به عنوان صادرکننده بسته است. نه دلم می‌خواهد و نه صلاح در این است که دست از کار بکشم ولی با این روند واقعا درمانده شده‌ام که چه باید بکنیم. از گلایه به مسئولان اتان بازگانی مربوطه و مقامات هم خسته شده‌ام.

صادرکننده از مشهد

پاسخ مسئولان

ساماندهی محور آ‌زاده کرج –قزوین همچنان در دست اجراست

روابط عمومی سازمان راهداری و حمل‌ و نقل جاده‌ای کشور بیرو چاب پیام مردمی با عنوان فکری برای ترافیک دائمی پل فردیس تا مهرویلا کنند در ستون با مردم روزنامه همشهری پاسخ داده است. ضمن سپاس از انعکاس دیدگاه‌ها و نقطه‌نظر ت هموطنان و ظرفیت ایجاد شده برای پاسخگویی به استحضار می‌رساند در راستای کاهش گره ترافیکی در آ‌زاده راه کرج –قزوین محدوده پل فردیس تا مهرویلا در دو مقطع آ‌زاده راه شامل پل فردیس تا کلاتلتری به طول ۴ کیلومتر و با پیشرفت فیزیکی ۹۵در صد و همچنین پل کلاترتی تا مهرویلا به طول ۱٫۵ کیلومتر با پیشرفت فیزیکی ۶۰برصد، ساماندهی محور در دست‌انجام‌است که امیدواریم با رفع موانع اعتباری و تکمیل پروژه‌های مذکور در سال آ‌تی بخشی از مشکل ترافیکی محدوده مذکور برطرف گردد.

عامل جنایت در قشم پس از ۵سال از قصاص نجات یافت

بخشش قاتل در یک قدمی قصاص

گزارش

جنایت توانست با پرداخت دبه رضایت اولیای دم را جلب کرده و از قصاص نجات پیدا کند.

به‌گزارش همشهری، این جنایت اواسط سال ۹۶ در جزیره قشم واقع در استان هرم‌زگان اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که زن جوانی که از مدت‌هاقبل با شوهرش دچار اختلاف شده بود، تصمیم گرفت از او جدا شود اما شوهرش حاضر به جدایی نبود. در این شرایط بود که زن جوان با پسری آشنا که در محله‌شان زندگی می‌کرد و سال‌ها او را می‌شناخت شروع به دردلد کرد و از مشکلات زندگی‌اش و اختلافاتی که با شوهرش داشت گفت. او به‌دنبال راهی برای جدایی از شوهرش بود و این شرایط برای مدتی ادامه داشت تا اینکه یک روز وقتی آنها بهم صحبت می‌کردند فکر خطرناکی به ذهن‌شان رسید. آنها تصمیم گرفتند شوهر زن جوان را بترسانند و وادارش کنند تا همسرش را طلاق دهد.

قرار مگر بار

طبق نقشه‌ای که این زن و مرد کشیده بودند یک روز زن جوان به بهانه‌ای از شوهرش خواست تا با یکدیگر به یکی از مناطق حاشیه جزیره بروند. قرار بود در این محل پسر جوان با شوهر او در گیر شده و وی را تهدید کند که همسرش را طلاق بدهد. آن روز مرد که از نقشه شوم همسرش بی‌اطلاع بود همراه او به آنجا رفت. غافل از اینکه پسر جوان از ساعتی قبل در آنجا انتظار‌شان را می‌کشید. او که یک چاقو زیر لباسش پنهان کرده بود وقتی زن و شوهر جوان را دید به بهانه‌ای جلو

گروگانگیری پسر ۴ساله برای

پس گرفتن یک چک

مرد به‌دکار که در ازای بدهی‌اش یک چک پرداخت کرده بود برای پس گرفتن چک، پسر ۴ساله طلبکارش را ربوده بود. گروگان گرفت، اما بعد از چند ساعت مجبور شد او را رها کند. به گزارش همشهری، چند روز قبل به پلیس استان البرز خبر رسید که مردی سابقه‌دار پسر ۴ساله‌ای را ربوده و به گروگان گرفته است. آنطور که شواهد به‌دست آمده نشان می‌داد گروگانگیری مدتی قبل از پدر، گروگانش مبلغی پول گرفته‌شد و قبل آن بر یک چک داده بود، اما حالا بدون آنکه بدهی‌اش را تسویه کند قصد داشت با گروگان گرفتن پسرش چک را پس بگیرد. در این شرایط بود که تلاش‌های مأموران پلیس آگاهی البرز برای رهایی گروگان ۴ساله آغاز شد. هنوز چند ساعت از این حادثه نگذشته بود که کار آگاهان موفق شدند مخفیگاه متهم را شناسایی کنند. آنها هم‌زمان با او تماس گرفتند و عواقب کار خطرناکی را که انجام داده بود به او گوشزد کردند. همین تماس باعث شد تا گروگانگیر پس از ۴ساعت پسر ۴ساله را به یکی از آشنایان خود تحویل داده و خودش فرار کند. سرهنگ محمد نادر بیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز با اشاره به تحویل کودک ربوده شده به خانواده‌اش گفت: تلاش پلیس برای دستگیری مرد گروگانگیر ادامه دارد. او ادامه داد: پلیس آگاهی به میزبانی از توانمندی رسیده که حرفه‌ای‌ترین مجرمان را در کوتاه‌ترین زمان در هر نقطه که مخفی شده باشند دستگیر کرده و تحویل قانون می‌دهد.



حوادث



شود. در این شرایط بود که او بازداشت شد و وقتی تحت بازجویی‌های فنی قرار گرفت به قتل شوهرش با همدستی پسر جوان اعتراف کرد. او در اعترافش گفت: چون با شوهرم زندگی خوبی نداشتیم از پسری آشنا خواستم شوهرم را بترسانم تا مجبور شود طلاق دهد. او ادامه داد: آن روز به بهانه‌ای شوهرم را به جای خلوتی کشاندم و در آنجا پسر جوان به ما نزدیک و با شوهرم در گیر شد. قرار بود که او فقط شوهرم را بترساند اما در درگیری چند ضربه چاقو به او زد و این حادثه اتفاق افتاد.

اعتراف به قتل

به‌دنبال اعترافات زن جوان، تلاش‌ها برای دستگیری عامل اصلی جنایت آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد او پس از قتل از قشم گرخته و به مکان نامعلومی رفته است. با وجود این، تلاش‌ها برای دستگیری او ادامه پیدا کرد تا اینکه ۲ماه بعد مأموران به اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد قاتل فراری به قشم برنگشته است. در این شرایط بود که او دستگیر شد. متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت به قتل اعتراف کرد اما مدعی شد قصدش تهدید و ترساندن مقتول بوده و نیتی برای قتل او نداشته است. او در ادامه جزئیات بیشتری از جنایت را بر ملا کرد و در نهایت پرونده اتهامی این دو متهم با صدور کیفرخواست به داد‌گاه کیفری یک استان هرمزگان فرستاده شد.

در یک قدمی چوبه دار

در جلسه محاکمه، پدر و مادر مقتول از طرف خودشان و به‌عنوان اولیای دم قهری فرزند خردسال مقتول برای قاتل درخواست حکم قصاص کردند و درای عروسشان نیز اند مجازات را خواستند. در این جلسه بار دیگر

سارق گردن‌بند آقای فوتبالیست، بازبگر تئاتر بود

کرده بودم و حدود ساعت ۳بعدازظهر وقتی از خانه خارج شدم، فهمیدم که آن را درزیده‌اند. به محض اینکه متوجه درزیدن موتورم شدم، راهی اداره پلیس شدم و گزارش سرقت را اعلام کردم و ماجرای سرقت گردن‌بند پیشکسوت فوتبال را هم همان شب در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی خواندم اما فکر نمی‌کردم که موتورم من در صحنه این سرقت جا مانده باشد.

یک شاهد

متهم در حالی مدعی شد که بی‌گناه است و موتورش را سرقت کرده‌اند که یک شاهد عینی وی را شناسایی کرده و می‌گوید متهم همان سارقی است که در گن‌بند فوتبالیست پیشکسوت را سرقت کرده است. این شاهد عینی راننده مسافرکش است که در تحقیقات گفت: روز حادثه حدود ساعت ۲ظهر بود که در حوالی شهرک غرب و در نزدیکی بیمارستان آتیه بودم. شغل من مسافر کشی است و در جست‌جوی مسافر بودم که ناگهان جوانی را دیدم. او با تمام قدرت می‌دوید و با فاصله زیادی مرد دیگری دنبالش بود. در آن لحظه متوجه نشدم مردی که در تعقیب پسر جوان است، مشهور و فوتبالیست قدیمی است. وی ادامه داد: پسر جوان در حالی که نفس نفس می‌زد، سریع من آمد و مدعی شد که مردی که در تعقیب اوست، برادرزنش است. او گفت که چون با همسرش اختلاف دارد، برادرزنش نقشه انتقام‌جویی کشیده و اگر دستش به او برسد، بلایی بر سرش می‌آورد. وی از من خواست تا او را سوار مسافرکش کرده و از آن منطقه دور کنم و جانش را نجات دهم. راننده مسافرکش ادامه داد: به گمان اینکه مرد جوان حقیقت را می‌گوید، وی را سوار ماشینم کردم و چند خیابان آن طرف‌تر او را از ماشین پیاده کردم. او کسی جز متهم دستگیر شده نیست، چون من چهره او را به خوبی به خاطر دارم و مطمئن هستم جوانی که آن روز سوار ماشینم شد، همین جوانی است که به جرم سرقت از فوتبالیست معروف دستگیر شده است. درحالی‌که راننده مسافرکش مرد بازداشت‌شده را شناسایی کرده، اما او همچنان اصرار دارد که بی‌گناه است. در این شرایط بازپرس جنایی دستور بازداشت‌متهم را صادر کرد و او برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفته‌است.

سارق، ماشین کلاترتی را دزدید و راهی ماموریت شد

پلیس گزارش کرده بود، بعدا به مأموران گفت که جرمیا جیمز (سارق ماشین کلاترتی) نخستین کسی بود که به محل حادثه رسید. او به محض رسیدن از ماشین کلاترتی بیرون پرید و پرسید آیا تیراندازی هم شده و کسی هم به قتل رسیده‌است؟ به‌گفته این شاهد عینی، جرمیا جیمز وقتی از ماشین کلاترتی پیاده شد، لباس پلیس به تن نداشت. از سوی دیگر کاملاً مست به‌نظر می‌رسید و حتی ماشین کلاترتی هم آسیب دیده بود و همه‌چیز کاملاً عجیب به‌نظر می‌رسید. تا اینکه دقیقاً بعد از حضور این مرد در محل حادثه، سرو کله یک خودروی گمشده دیگر هم پیدا شد و جرمیا جیمز به‌محض دیدن ماشین پلیس سوار همان ماشین مسروقه شد و فرار کرد. پس از فرار سارق با ماشین پلیس، تلاش مأموران برای دستگیری او شد و پلیس موفق شد حدود ۳ساعت بعد خودروی مشروط به سر می‌برده است.



هم‌شهری

کوتاه از حادثه

کلاهبرداران در کمین مستأجران

اعضای باند ۳فقره کلاهبرداری که با انتشار آگهی اجاره آپارتمان با قیمت مناسب دست به کلاهبرداری از مستأجران می‌زدند دستگیر شدند.

به‌گزارش همشهری، متهمان در ابتدا آگهی اجاره آپارتمان با قیمت بسیار مناسب را در فضای مجازی منتشر کرده و سپس منتظر می‌ماندند تا طعمه‌هایشان با آنها تماس بگیرند. مستأجرانی که در جست‌وجوی آپارتمان اجاره‌ای بودند با دیدن این آگهی و قیمت مناسب آن بلافاصله با شماره‌ای که در آگهی درج شده بود تماس می‌گرفتند. کلاهبرداران پس از گفت‌وگوی تلفنی با طعمه‌شان به او اطمینان می‌دادند که درصورت دریافت بیعانه، ملک موردنظر را به فرد دیگری اجاره خواهند داد و چند ساعت بعد برای عقد قرارداد به بنگاه خواهند آمد. آنها حتی برای جلب اطمینان طعمه‌شان تصاویری از آپارتمان را به همراه تصویر سند ماشین و تصویر کارت ملی‌شان که در آن نشانی آپارتمان درج شده بود برای او ارسال می‌کردند و طعمه او همه جا بی‌خبر به تصور اینکه آپارتمانی با قیمتی مناسب گیر آورده مبلغ زیادی به‌عنوان بیعانه به حساب کلاهبرداران واریز می‌کرد، اما پس از آن کلاهبرداران تلفنشان را خاموش می‌کردند و ناپدید می‌شدند.

کلاهبرداری‌های این باند ادامه داشت تا اینکه چند روز پیش و با شکایت یکی از مالباختگان، مأموران پلیس پایتخت در جریان ماجرا قرار گرفتند و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری کلاهبرداران را آغاز کردند. سرهنگ قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران گفت: شکای پرونده می‌گفت که پس از پرداخت ۵۰هملیون تومان به‌عنوان بیعانه به حساب کلاهبرداران، دیگر موفق به تماس با آنها نشده و سپس از آن بود که متوجه شده در دام کلاهبرداران گرفتار شده است.

وی ادامه داد: با این شکایت، مأموران به بررسی تصویر کارت ملی و سند ماشین که کلاهبرداران برای مدعی بود ارسال کرده بودند پرداختند، اما معلوم شد که همه آنها جعلی است. در ادامه و با بررسی شماره حسابی که کلاهبرداران در اختیار شاکی قرار داده بودند نیز معلوم شد که حساب متعلق به مردی است که مدعی بود کارت‌های اعتباربانک خود را در ازای دریافت مبلغی به جوانی به نام شهاب، ساکن ورامین، فروخته است.

سرهنگ دستخال گفت: با دستگیری شهاب معلوم شد که او یکی از اعضای باند کلاهبرداری است که با همدستی ۲ نفر دیگر دست به کلاهبرداری از مستأجران می‌زند. به این ترتیب ۳متهم دیگر پرونده نیز دستگیر شدند و در بازجویی‌ها اعتراف کردند که با این شرگرد از ۳مستأجر کلاهبرداری کرده‌اند.

رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران با اشاره به اینکه تحقیقات از متهمان دستگیر شده ادامه دارد از مستأجرانی که در جست‌وجوی آپارتمان اجاره‌ای هستند خواست قبل از انجام معاملات ملکی، تحقیقات لازم را انجام دهند؛ ابتدا سند مالکیت ملک را ببینند و با مراجعه به محل، ملک مورد نظر را با سند مطابقت دهند و هنگام خرید با اجاره ملک، از مالک بودن طرف مقابل اطمینان حاصل کرده و درصورتی که مالک به فرد دیگری و کالت داده است، و کالت‌نامه را به دست مطالعه کرده و مطمئن شوند که مالک به و کیل حق فروش یا اجاره ملک را داده باشد.

دختر ۱۶ساله، قربانی نقشه شوم خواستگار قلبی

آشنایی دختر ۱۶ساله با پسری جوان در راه مدرسه پایان شومی داشت.

به‌گزارش همشهری، چند روز پیش دختری نوجوان به همراه والدینش راهی دادرسی جنایی تهران شد و تا از پسری جوان که در نقش خواستگار او را فریب داده بود شکایت کند.

دختر ۱۶ساله در توضیح ماجرا به قاضی محمدامین تقویان، باز پرس شعبه هشتم دادرسا گفت: مدتی قبل در راه مدرسه با پسری جوان به نام آر‌ش آشنا شدم. پس از این آشنایی مدتی با هم چت می‌کردیم و گاهی او به مقابل مدرسه می‌آمد و پس از تعطیلی با هم به پارک می‌رفتیم.

وی ادامه داد: ظرف مدتی کوتاه به او علاقه‌مند شدم و برای همین وقتی از من خواستگاری کرد جواب مثبت دادم، اما به خانواده‌ام حرفی نزدم. چون می‌دانستم آنها به‌دلیل اینکه سنم کم است و از طرفی شناختی نسبت به آر‌ش ندارند با این ازدواج مخالفت می‌کنند. پدر و مادرم دلشان می‌خواست من درس بخوانم و به دانشگاه بروم و برای همین منتظر ماندم تا در فرصتی مناسب این ماجرا را با آنها در میان بگذارم.

دختر نوجوان گفت: چند هفته پیش اما آر‌ش به من زنگ زد و مرا به خانه‌اش دعوت کرد. او گفت خانواده‌اش هم حضور دارند و من خواهم مرا به آنها معرفی کند. بی‌آنکه خبر داشته باشم که چه اتفاقی در انتظام است راهی خانه آر‌ش شدم، اما آن روز وی نوشیدنی‌ای به من داد که دیگر نفهمید چه شد و وقتی به‌خود آمدم، متوجه شدم که وی از من فیلم سیاه تهیه کرده است. آر‌ش تهدیدم کرد که اگر از ماجرای آن روز به کسی چیزی بگویم، فیلم را در فضای مجازی منتشر کرده و آبروی مرا می‌برد. پس از این اتفاق شوم، به‌شدت دچار مشکلات روحی و روانی شدم. همین باعث شد که خانواده‌ام در جریان ماجرا قرار بگیرند و من از ترس و خجالت خانه را ترک کردم و به شمال کشور رفتم. چند روزی در آنجا ماندم تا اینکه خانواده‌ام با من تماس گرفتند و خواستند به خانه برگردم. آنها گفتند کمک می‌کنند و وقتی همه ماجرا را برایشان تعریف کردم، خواستند با هم به دادرسا برویم و از مرد جوان شکایت کنیم. با مطرح شدن این شکایت، باز پرس جنایی تهران دستور بازداشت آر‌ش را صادر کرد و تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه وی آغاز شده است.